

اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه مقام معظم رهبری^{مد ظله العالی} در چارچوب

سبک زندگی دینی

سامان زیتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۰۲ / ۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۰۲ / ۱۵

چکیده

از نظر مفهومی، میان مفاهیم «دین» و «سبک زندگی»، رابطه‌ای علی قابل فرض است؛ به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران معتقدند دین در شکل‌دهی به سبک زندگی نقش بسزایی دارد. در میان ادیان مختلف، «دین اسلام» به دلیل تأثیرگذاری بر سبک زندگی پیروان خود، مقامی برجسته و ممتاز دارد، بنابراین، سبک زندگی‌ای که اسلام ارائه می‌دهد، طرح مهندسی ویژه‌ای را برای کاربرد در زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌کند. بررسی این موضوع از منظر شخصیت‌هایی که سبک ساز هستند زمینه وصول به حیات طیبه را هموار می‌سازد. آیت الله خامنه‌ای^{مد ظله العالی} به‌عنوان عنصری سبک ساز، توحید محوری را سرلوحه شیوه زندگی و مبنای اساسی آن قرار داده است. از دیدگاه معظم‌له مصرف، یکی از مؤلفه‌های مهم در سبک زندگی است چنان‌که اسلام نیز درباره آن دستورات بسیاری دارد. هدف از این نوشتار نشان دادن اهمیت فرهنگ الگوی مصرف و نقش سازنده آن در جامعه از دیدگاه اسلام و رهنمودهای مقام معظم رهبری می‌باشد. این مقاله به دنبال پاسخگویی به چرایی اصلاح الگوی مصرف و هم‌چنین راهکارهای ارائه شده در چارچوب مبانی دینی و منویات رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌باشد. روش تحقیق بر اساس مطالعه تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مصرف‌گرایی، سبک زندگی، زندگی دینی، اسلام، آیت‌الله خامنه‌ای^{مد ظله العالی}.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): زیتی، سامان (۱۳۹۹، زمستان). «اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه مقام معظم رهبری^{مد ظله العالی} در چارچوب سبک زندگی دینی». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۰۶-۹۳.

^۱ دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

ایمیل: Saman.zeyti@gmail.com

که‌ی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

الگوی مصرف^۱ در هر جامعه، نقشی تعیین‌کننده در تخصیص منابع برای تولید انواع کالاهای تولیدی، شیوه توزیع آن‌ها و هم‌چنین توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد. بنابراین، اگر الگوی مصرف جامعه‌ای، افراد را به مصرف هر چه بیش‌تر ترغیب کند، بخش اعظم منابع درآمدی جامعه به مصرف اختصاص می‌یابد و در نتیجه، از سطح پس‌انداز کل و به تبع آن سرمایه‌گذاری کاسته می‌شود و این امر، جامعه را با کاهش تولید و فقر اجتماعی روبه‌رو می‌کند. ضعف اقتصادی نیز خود زمینه‌ساز فقر فرهنگی و انحطاط اجتماعی است و برعکس، اتخاذ الگوی صحیح و منطقی در مصرف می‌تواند آثار مثبت فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال داشته باشد. در سطح کلان، هماهنگی و تناسب بین امکانات یک جامعه با نیازها و خواست‌های افراد آن، کسب استقلال، اقتصادی و دستیابی به عزت و سرفرازی را ممکن می‌سازد و در سطح فردی، اجتناب از مصارف غیرضروری و تجملی که به معنای متوازن ساختن درآمدها و هزینه‌هاست، آرامش روحی و روانی را به همراه می‌آورد (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳-۱). یکی از مشکلات اصلی کشور ما که منشأ کاستی‌های بسیاری در جامعه است، اسراف و رعایت نکردن الگوی مصرف صحیح است چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی، با نگاهی موشکافانه به این مشکل مهم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که سال‌هاست گریبان‌گیر کشور ما شده است؛ ضمن تشریح زمینه‌های نیازمند تغییر و تحول جدی در جامعه و با اشاره به موضوع «اسراف‌های شخصی و عمومی» و مصرف بی‌رویه منابع مختلف کشور، تمامی مسئولان قوای سه‌گانه، شخصیت‌های اجتماعی و آحاد مردم را به برنامه‌ریزی و حرکت در مسیر تحقق این شعار مهم حیاتی و اساسی، یعنی اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه‌ها دعوت کردند (ترکمن‌دی، ۱۳۸۸).

با نگاهی به برخی از آمارهای مصارف منابع انرژی در کشور می‌توان به اهمیت این قضیه پی برد؛ رئیس مرکز تحقیقات و ارتباط با صنعت شرکت آب و فاضلاب کشور گفته است متوسط سرانه مصرف آب در بخش خانگی در ایران به‌طور متوسط ۱۹۰ لیتر در روز به ازای هر نفر و در دنیا ۱۳۵ تا ۱۴۰ لیتر است. در برخی از کلان‌شهرها این میزان در فصل گرم سال به حدود ۲۵۰ لیتر می‌رسد که با این اوصاف ایرانیان دو برابر متوسط جهانی در سال آب مصرف می‌کنند. امروزه تقریباً اکثر وسایل خانگی با برق کار می‌کنند، مشترکان خانگی با توجه به تعداد آن‌ها و افزایش روزافزون لوازم الکتریکی خانگی سهم قابل توجهی از مصارف برق را به خود اختصاص داده‌اند، متوسط مصرف سرانه برق خانگی در ایران ۲۹۰۰ کیلو وات ساعت است در حالی که متوسط مصرف جهانی زیر ۱۰۰۰ کیلو وات ساعت است. بدین ترتیب متوسط مصرف سرانه برق خانگی در کشور ما سه برابر متوسط جهانی است. در زمینه مصرف انرژی گاز نیز باید گفت ایران بیش‌تر از اروپا گاز مصرف می‌کند. این اظهارنظر مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران است. او گفته است:

۱. Consumption Pattern

«هم‌اکنون متوسط مصرف گاز در ایران چهار برابر متوسط جهانی و حدود ۱۸ برابر کشور ژاپن است و سرانه مصرف گاز هر ایرانی ۱۰ برابر مردم کشورهای اروپایی است از این رو مصرف گاز در کشور به اندازه کل مصرف نفت در اروپاست و بر اساس مطالعاتی که انجمن نفت انجام داده است اگر ایران با چنین نرخ مصرف پیش رود تا سال ۱۴۰۴ روزانه ۵۲۰ میلیارد متر مکعب گاز مصرف می‌کنیم» (به نقل از خبرگزاری ایسنا: www.isna.ir).

شایان ذکر است که اصلاح الگوی مصرف باید در چارچوب نگاهی کلی‌تر از مصرف صرف دنبال شود به عبارت دیگر، اصلاح الگوی مصرف، تنها اصلاح مصرف نیست، بلکه اصلاح نحوه‌ای از زندگی است که مصرف در آن جایگاه ویژه‌ای دارد. می‌توان گفت فهم الگوی مصرف، آسیب‌شناسی و در نهایت بهینه‌سازی آن، با در نظر گرفتن سبک زندگی طبقات مختلف جامعه میسر می‌شود. مصرف در دنیای کنونی، با توجه به روندهای اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مصرف تنها یک موضوع اقتصادی منفعت‌جویانه تلقی نمی‌شود؛ بلکه نمادی از فرهنگ و هویت افراد جامعه است، البته این امر به معنای بی‌اهمیتی عوامل اقتصادی نیست اما در تعیین نقطه آغاز اصلاح الگوی مصرف، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، چنان‌که امروز، کم‌تر اندیشمندی الگوی مصرف را فقط در وضعیت اقتصادی و درآمدی خانواده‌ها جستجو می‌کند.

برای مثال، از نظر بوردیو^۱، مصرف تنها ارضای نیازهای زیستی نیست، بلکه متضمن نشانه‌ها، نمادها، ایده‌ها و ارزش‌هاست. به تعبیر وی، مصرف در دوران جدید، روندی است که در آن خریدار کالا، از طریق، به نمایش گذاشتن کالاهای خریداری شده، فعالانه در تلاش برای خلق و حفظ هویت خویش است (بوردیو، ۱۳۸۱: ۴۲). به عبارت دیگر، افراد هویت خود، یعنی چه کسی بودن را از طریق آنچه مصرف می‌کنند، ایجاد می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که مصرف، امروزه هویت‌بخش است. ویلن^۲ نیز در نظریه طبقه مرفه خود، ویژگی‌های مصرفی طبقه مرفه را تحلیل و اظهار می‌کند که این گروه، دچار «مصرف متظاهر»^۳ هستند (ویلن، ۱۳۸۳: ۱۰۰)؛ هم‌چنین با واکاوی عمیق‌تر رفتار مصرفی افراد، می‌توان از مفهوم «سبک زندگی» برای تعیین رفتار مصرفی افراد استفاده کرد.

اصولاً «سبک زندگی»^۴ به‌عنوان مفهومی که نشان‌دهنده رویکرد تحلیلی تازه به مبحث قشربندی و تمایزات و تحریکات اجتماعی است، وارد علوم اجتماعی شده است و این ایده، به استفاده از کالاهای مصرفی برای تمیز و تبیین هویت اجتماعی مربوط می‌شود از این‌رو، اصلاح الگوی مصرف، بدون توجه به ماهیت مصرف و سبک زندگی در دنیای جدید ممکن نیست. از سوی دیگر، سبک زندگی هر فرد متأثر از نظام معنایی اوست و یکی از این نظام‌های معنایی، دین است. عموم ادیان دارای نظام‌های معنایی، آموزه‌ها، نهاد و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد

1. Bourdieu

2. Veblen

3. Conspicuous Consumption

4. Lifestyle

سبک‌های زندگی مبتنی بر آن‌ها توانمند می‌کنند و بر این اساس، می‌توان گفت که دین می‌تواند در ایجاد منش، سلیقه و زیباشناسی و در نتیجه، سبک‌های زندگی نقش ایفا کند و جدا از سبک‌های زندگی دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل است (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۱۸۷ و ۲۲۱). از منظر خداپورانه، فلسفه وجودی دین، توانمند کردن انسان در تشکیل سبک زندگی دینی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است. به همین دلیل دین، با برخورداری از ویژگی‌ها و ظرفیت‌های متعالی، سرمایه‌هایی را در اختیار افراد قرار می‌دهد: اول، دین مشتمل بر یک جهان‌بینی و نظام معنایی است و این سرمایه، فرهنگی تعالی‌بخش را در اختیار افراد می‌گذارد، دوم، دین‌داری یک نظام نمادی و برخی شعائر است که به پیروان است و هم‌چنین نهاد و سازمان به نسبت منسجمی است که سرمایه‌ای را در جامعه پدید می‌آورد. از این‌رو، در مقاله حاضر، ابتدا چارچوب نظری «سبک زندگی دینی» تبیین شده، سپس الگوی مصرف را از دیدگاه قرآن کریم و هم‌چنین جایگاه و اهمیت آن را نزد اهل بیت علیهم‌السلام و علما بررسی نموده و در آخر نقشه راه و دیدگاه مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای مد ظله‌العالی را در مورد الگوی مصرف بیان خواهد شد.

۲. مفاهیم و چارچوب نظری سبک زندگی دینی

سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود. طبیعی است که بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر این که دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده‌ی کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹). چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، علاوه بر این که پشتیبانی جدیدترین دیدگاه‌های مطرح در این عرصه را به‌همراه دارد (بورديو، ۱۳۹۰: ۲۸۶ و ۳۳۷؛ گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰)، از قابلیت خوبی برای بومی‌سازی مفهوم سبک زندگی بر اساس اقتضائات جامعه اسلامی برخوردار است.

تمرکز اندیشمندان بر شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، شیوه گذران اوقات فراغت، الگوهای تمرکز بر علاقمندی‌ها، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی و بهداشت و سلامت و کار نشان می‌دهد که مطالعات سبک زندگی حول یک محور عمومی با عنوان کلی «سلیقه»^۱ دور می‌زند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). سلیقه، یک امر ذهنی است که در قالب تمایلات و ترجیحات رفتاری انسان جلوه‌گر شده و بدین ترتیب، فرهنگ و اجزای آن که امری کلی و عمومی به‌شمار می‌آید، در پرتو این تمایلات و ترجیحات برآمده از سلیقه، فردیت پیدا کرده و هویت فرد را برای دیگران ترسیم می‌کند (بورديو، ۱۳۹۰: ۹۳). بدین ترتیب می‌توان فرهنگ یا خرده فرهنگ را خاستگاه سبک زندگی

^۱. Taste

دانست (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۸۰)؛ اما روشن است که خود فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی است که یکی از مهم‌ترین این عوامل، دین و آموزه‌های وحیانی است.

آموزه‌های دین به‌عنوان ابزار جامع هدایت و راهبری بشر، در بسیاری از موارد، حاکم بر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای جهت‌دهی و الگوبخشی به رفتار و کنش انسانی است. در واقع، محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، اعتقاد به تکامل فرهنگی و سهیم بودن اراده انسان‌ها در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون می‌شود که دین و آموزه‌های وحیانی آن می‌تواند بخش مهمی از خاستگاه فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد. پس در یک رابطه طولی، دین، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد؛ و فرهنگ نیز به نوبه خود، نظام و ساختار خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند؛ که خود به‌عنوان سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای خاص برای زندگی، یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد؛ و البته سبک زندگی نیز به توسعه و نفوذ نظام معرفتی مبتنی بر آموزه‌های دینی یاری رسانده و تمایلات و ترجیحات برآمده از فرهنگ دینی را بارور می‌سازد.

بر خلاف رویکرد کلاسیک جامعه‌شناسان که به توصیف سبک زندگی جاری افراد و گروه‌های اجتماعی بسنده می‌کنند، با الهام از روش‌های برگرفته از آموزه‌های دینی می‌توان گامی فراتر از توصیف نهاده و با تکیه بر اصول ثابتی که به اعتقاد ما در آموزه‌های اسلامی موجود است، چارچوبی ارائه نمود که در محدوده آن، به تجویز نیز بپردازیم؛ یعنی با دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک خاص زندگی کمک نماییم. این رویکرد دقیقاً همان شیوه‌ای است که از سوی پیامبران الهی پی‌گیری شده است؛ آنان از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزش‌های دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم، بهره می‌گرفتند تا آن‌ها با رضایت خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود اقدام نمایند.

اما این که آموزه‌های اسلامی را به‌عنوان معیار در نظر می‌گیریم و درصدد تجویز مفاهیم و شاخص‌های برگرفته از آن بر می‌آییم، مبتنی بر این پیش‌فرض اساسی است که جامعیت دین اسلام، همه ابعاد و زوایای زندگی انسان را در بر گرفته و او را همواره در انتخاب مسیر درست زندگی یاری می‌کند. همین جامعیت باعث می‌گردد تا سبک زندگی دینی را لزوماً منحصر در یک نظام الگویی و رفتاری واحد ندانسته و در محدوده و چارچوب برآمده از اصول اسلامی، سبک‌های متعددی را بپذیریم. سیره عملی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با اصحاب خود نیز نشان می‌دهد که ایشان، اختلاف سبک را می‌پذیرفتند. پس ارزش‌ها و نگرش‌های همسان، لزوماً به سبک زندگی یکسان نمی‌انجامد؛ و با توجه به ویژگی انتخاب‌گری که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه‌ی منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های دینی را که در چارچوب معین شده از طرف دین قرار داشته باشد، یک سبک زندگی دینی به شمار آورد.

مهم آن است که در فرآیند تعامل تمایلات و منابع، از این چارچوب خارج نشویم که البته در این زمینه، توجه به گروه‌های مرجع بسیار کارگشا خواهد بود (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۳۸). گروه‌های مرجع دارای دو کارکرد اصلی هستند اول آن که هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند؛ و دوم آن که معیارهایی را در اختیار کنش‌گران قرار می‌دهند تا کنش و نگرش خود را بر اساس آن محک بزنند (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰). با توجه به این نقش بی‌بدیل، در فرهنگ اسلامی و به‌ویژه در آموزه‌های قرآنی به افراد و گروه‌های خاصی به‌عنوان الگوی زندگی اشاره گردیده که در رأس آن‌ها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به‌عنوان برترین اسوه معرفی شده است (احزاب/۲۱). در واقع، سیره، روش، تقریر و جایگاه مسائل مختلف از دیدگاه این بزرگان به‌عنوان شاخصی برای پیروان آن‌ها محسوب می‌شود.

۳. الگوی مصرف از منظر قرآن کریم

«كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الأعراف/۳۱) «بخورید و بیاشامید ولی

اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد».

آیه فوق را خداوند کریم با عبارت «یا بنی آدم» آغاز نموده است؛ پس خطاب آن به تمامی انسان‌هاست که می‌فرماید از مواهب الهی استفاده کنید؛ اما اسراف نورزید. اسراف، عبارت از بیهوده خرج کردن مال، حیف و میل کردن و زیاده روی است. هم‌چنین در آیه ۱۴۱ سوره مبارکه انعام خداوند کریم فرموده است:

«كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

الْمُسْرِفِينَ» (الأنعام/۱۴۱) «تناول کنید و حق آنرا در روز درو و جمع‌آوری آن بدهید و اسراف

نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد».

در جایی دیگر می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (الفرقان/۶۷) «و کسانی که

هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند».

در بخش دیگری از آیات کریم، خداوند اسراف را تنها در خوردن و آشامیدن ندانسته و اسراف و زیاده روی در نفس را نیز مذموم شمرده است:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (الزمر/۵۳) «ای رسول به

بندگانم که بر نفس خود اسراف کردند بگو که از رحمت خدا هرگز مأیوس نشوید».

توجه ویژه به بحث اسراف در آیات قرآن کریم بیانگر اهمیت این موضوع و پرهیز از آن می‌باشد. مواهب و نعمات الهی بی‌شمار و فزون از تصور آدمی است. خداوند صانع و هستی بخش، قسمت و روزی هر جنبه‌ای را مقرر فرموده است؛ اما افسوس که برخی از آدمیان، تنها به روزی خود بسنده نمی‌کنند و حرص و طمع، آنان را از دایره‌ی تقوی و خودنگهداری خارج می‌سازد، از همین روی در تزیین حقوق دیگران نیز خود را مجاز می‌دانند. اسراف نیز در زمره‌ی این قبیل خواسته‌های نابجاست. وقتی فردی به خود اجازه می‌دهد و خود را محق می‌داند که در بهره‌مندی از مواهب الهی هیچ حد و حدودی را رعایت نکند، او مصداق «مصرفین» خواهد بود و بلا شک مشمول عذاب الهی می‌گردد. این که فردی بگوید من با دارایی خود، مجوز استفاده از هر چیزی را دارم؛ از منظر اجتماعی و عرفی جای خرده‌گیری ندارد؛ اما با داشتن دیدگاهی اخلاقی و معنوی، او می‌بایست خود را مکلف به رعایت حق الناس و حق الله بداند. این که انسان، خود را مکلف به رعایت اوامر و نواهی الهی بداند در دایره حقوق و قوانین مدنی قابل احصاء نیست؛ بلکه خواسته‌ای درونی و اخلاقی محسوب می‌گردد. البته منظور نمودن ساز و کارهای تشویقی و تنبیهی در جهت سوق دادن اذهان و افکار به سمت اعتدال اجتماعی دور از دسترس نیست؛ اما چگونه فردی متمکن را می‌توان مجبور ساخت که مثلاً هر ساله سرویس مبلمان خود را عوض نکند و یا از ماشین‌های خارجی مدل جدید استفاده ننماید اما از منظری اخلاقی و در دایره دین‌مداری، فرد، تنها بخود نمی‌اندیشد بلکه منافع ملی و اجتماعی را نیز مد نظر قرار می‌دهد و آنگاه که جامعه و کشور خود را نیازمند از خود گذشتگی خویش تشخیص دهد؛ ناخودآگاه خود را ملزم به قناعت و اعتدال می‌نماید هر چند که قناعت و اعتدال به گفته بزرگان دین ما بزرگ‌ترین ثروت محسوب می‌شوند.

۴. الگوی مصرف از منظر روایات و احادیث و علما

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (المائدة/۸)

اعتدال که از عدل و عدالت مشتق شده است، به معنای میانه روی و دوری از افراط و تفریط است. دین اسلام بر آن است تا با ارائه راهکار و دستورالعمل، پیروان خویش را بر صراط اعتدال نگاهدارد. اصولاً اسلام، دین اعتدال است. برخی معتقدند یهود، دین افراط و مسیحیت دین تفریط است اما اسلام در این میان، اعتدال و میانه‌روی را برگزیده و از همین روی، اسلام را دین اعتدال می‌توان نام نهاد. تخلق به اعتدال و میانه‌روی، مانع اسراف و تبذیر خواهد شد. در این صورت فرد چه در جایگاه فقر و ناداری و چه در جرگه اغنیاء به واسطه‌ی همین خلق و خوی پسندیده نه به ذلت زبونی و در یوزگی گرفتار خواهد شد و نه آن که به ورطه‌ی تجمل‌گرایی و اسراف‌گری در خواهد غلطید.

اعتدال از منظر اسلام نه تنها در مباحث مادی و اقتصادی بلکه در تمامی جوانب و شئون زندگی مسلمانان قابل تعمیم و تصدیق است؛ چنان که حتی این مقوله در بحث عبادات نیز دخول دارد. قرآن کریم، امت اسلامی را امت میانه و وسط معرفی کرده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره مردم را به میانه‌روی توصیه فرموده است. امام حسن عسگری علیه السلام نیز در نامه‌ای که برای یکی از شیعیان فرستادند او را به توانگری بشارت داده و توصیه فرمودند: بر تو باد به میانه‌روی و اعتدال و بر حذر باش از اسراف؛ زیرا این عمل از کارهای شیطان است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«الاولان اعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و اسراف». «آگاه باشید خرج کردن به ناحق، حیف و میل و اسراف است».

بنا بر آن چه گفته شد، الگوی صحیح مصرف، کم مصرف کردن و یا تفریط در مصرف نیست؛ بلکه مصرف خوب و نیکو می‌تواند در برگیرنده معنای فوق باشد. به عنوان مثال برخی به غلط گمان کرده‌اند که حرام کردن زینت‌ها و پرهیز از غذاهای پاک و حلال، نشانه زهد و پارسایی است؛ همان گونه که خداوند متعال نیز در قرآن مجید بدان اشاره فرموده است:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الأعراف/۳۲) «ای پیامبر بگو زینت‌هایی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است. بگو این نعمت‌ها برای کسانی است که ایمان آورده و برای روز جزا خود را مهیا نموده‌اند».

امام صادق علیه السلام نیز در همین ارتباط فرموده‌اند:

«ضمانت می‌کنم کسی که میانه‌روی کند فقیر نشود».

سخن گهربار دیگری نیز از امام علی علیه السلام نیز توجه به اعتدال در معیشت را از مصادیق ایمان دانسته‌اند:

«انسانی که این سه خصلت را نداشته باشد، حقیقت ایمان را نخواهد چشید: ژرف اندیشی در علم دین، شکیبایی در حوادث، اندازه‌گیری نیکو در امر معیشت».

شیخ اجل سعدی شیرازی علیه الرحمه نیز می‌گوید:

«نه چندان بخور کز دهانت برآید / نه چندان که از ضعف جانت برآید» (گلستان سعدی؛ باب

(سوم)

حکما نیز گفته‌اند: توانگری به قناعت به از توانگری به بضاعت. چنانکه می‌بینیم لسان‌ها و قلم‌های بزرگان ما در جای جای آثارشان بر طبل قناعت و اعتدال کوبیده‌اند و شاید به‌واسطه همین

هشدارها و نیز با تمسک به آیات و روایات بوده است که ایرانیان، دوران‌های پرفراز و نشیب و قحطی‌ها و جنگ‌های طویل و مضایق را بخوبی پشت سر گذارده‌اند. شکی نیست که افرادی چون سعدی و مولوی و ناصر خسرو و نظامی و از مهم‌ترین مراجع فکری و رسانه‌های تأثیرگذار زمان خویش محسوب می‌شده‌اند. پس، با درایت به فضایی دامن زده‌اند که مردم خود را به‌جای پرداختن به زر و زیور و تجملات زودگذر و بی‌محتوا، به شناخت حقایق و معارف هستی سوق دهند. اما فضای ترسیم شده در آن زمان را با تبلیغات و پیام‌های بازرگانی رسانه ملی ما و یا شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و یا حجم تبلیغات مشوق مصرف‌گرایی را در فضای مجازی مقایسه کنید. شرکت‌ها و کمون‌های اقتصادی و تجاری، لحظه‌ای از تشویق و ترغیب جوامع به مصرف و مصرف-گرایی غفلت نمی‌ورزند و با چنین رویه‌ای با هدف کسب سود بیش‌تر، اذهان و افکار عمومی را به-سوی تجملگرایی سوق می‌دهند.

۵. الگوی مصرف از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای^{مد ظله العالی}

آن‌چه بر اصلاح الگوی مصرف و دستیابی به فرهنگ بهینه مصرف در کشور دارای اهمیت می‌باشد، این است که اصلاح الگوی مصرف نیازمند تبیین استراتژی و تعیین خط مشی است که طی آن، این اصل به یک شعار تغییر ماهیت ندهد؛ در واقع لازمه دستیابی به این مهم در کشور، خیزش و حرکتی عمیق از سوی مسئولان و همه‌ی آحاد جامعه می‌باشد؛ لذا می‌بایست همگی این اصل را یک ضرورت دانسته و فعالیت‌های خود را در راستای رسیدن به این اصل مهم برنامه‌ریزی نمایند و برای دستیابی به این امر فرهنگ‌ساز اقدام نمایند. آن‌چه که رهبر فرزانه‌ی انقلاب بر آن تأکید می‌ورزند این است که:

«همه ما به خصوص مسئولان قوای سه‌گانه، شخصیت‌های اجتماعی و آحاد مردم باید در مسیر تحقق این شعار مهم، حیاتی و اساسی یعنی اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه‌ها، برنامه-ریزی و حرکت کنیم تا با استفاده صحیح و مدبرانه از منابع کشور، مصداق برجسته‌ای از تبدیل احوال ملت به نیکوترین حال‌ها، ظهور و بروز یابد».

بنابراین تأکید رهبر معظم انقلاب بر اصلاح الگوی مصرف نشان دهنده‌ی این موضوع به‌عنوان بستری مناسب برای شکوفایی و دستیابی به اقتدار ملی است. مقام معظم رهبری^{مد ظله العالی} با تأسی از زندگی اهل بیت^{علیهم السلام} و در چارچوب سبک زندگی دینی شاخص‌هایی را برای الگوپذیری و راهنمای راه برای مردم ترسیم نموده‌اند، نمونه‌ی آن را می‌توان در بیانات ایشان در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید قدیر در مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۳۰ مشاهده نمود:

«ما که معلوم است مثل امیرالمؤمنین نمی‌توانیم زندگی کنیم، نیت‌وانیم عمل کنیم، نمی‌توانیم باشیم؛ خود آن بزرگوار هم فرمود آلا وَاِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلٰی ذٰلِكَ^۱ حضرت به حکام و ولات و استاندارهای خودش فرمود این جور که من دارم عمل می‌کنم، شماها قادر نیستید این‌جوری عمل کنید. ما بایستی این قلّه را نگاه کنیم. بارها ما عرض کرده‌ایم: این قلّه است. به شما می‌گویند آقا! آن قلّه هدف است، به سمت آن قلّه حرکت کنید. وظیفه‌ی ما این است، به سمت قلّه حرکت کنیم. همین صفات امیرالمؤمنین را در نظر بگیرید، به قدر وسعمان، به قدر توانمان در این جهت حرکت کنیم؛ در جهت عکس حرکت نکنیم. جامعه‌ی ما در جهت زهد امیرالمؤمنین حرکت کند؛ نه این که مثل امیرالمؤمنین زهد بوزرد - که نه می‌توانیم و نه از ما آن را می‌خواهند - اما در آن جهت حرکت کنیم؛ یعنی از اسراف، زیاده‌روی، چشم‌وهم‌چشمی دور بشویم؛ ... آن کسی که در زندگی شخصی خود اهل اسراف است، این عیب است.

ما متأسفانه گرفتار شده‌ایم؛ گرفتار اسراف شده‌ایم، گرفتار زیاده‌روی شده‌ایم. ما سال‌ها است در این باره مدام نصیحت می‌کنیم خودمان را، مردم را، دیگران را؛ مدام می‌گوییم، تکرار می‌کنیم؛ خوب باید جلو برویم، اسراف را در جامعه کم کنیم. اگر یک جامعه‌ای بخواهد از لحاظ استحکام درونی اقتصاد خود به نقطه‌ای برسد که آسیب‌پذیر نباشد، یکی از کارهای واجبی که باید انجام بدهد، این است که اسراف و زیاده‌روی و زیاد مصرف کردن و مانند این‌ها را کنار بگذارد».

در واقع عدم فرهنگ‌سازی در خصوص استفاده درست از دستاوردهای توسعه منجر به تولید فرهنگ استفاده نابجا و ملکه شدن آن در بین مردم شده است. در برهه کنونی و با توجه به ایجاد موجی از بحران و رکود فراگیر در اقتصاد جهانی طرح چنین مسئله‌ای خود بیانگر شناخت دقیق و آگاهانه رهبر معظم از چالشی جدید در عرصه اقتصاد است که عدم تدبیر صحیح و بهنگام در این خصوص، معضلات بی‌شماری را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی در پی خواهد داشت. به همین جهت طرح بحث «اصلاح الگوی مصرف» نمی‌بایست تنها در محاق نظریه‌پردازی و گفتمان باقی بماند و بیش از هر چیز دیگر نیازمند بررسی و کنکاش عمیق و جامع الاطراف و سپس ارائه راهکارهایی کاربردی و قابل انجام تا حصول مقصود و رسیدن به ساحل نجات است تا از این رهگذر با تحمل کم‌ترین هزینه و آسیب علاوه بر حفظ دستاوردهای ارزشمند انقلاب و منابع ملی و میهنی، بستر و زمینه و بهره‌مندی نسل‌های آینده نیز از این ثروت خدادادی فراهم گردد. با تحلیل محتوای فرازهای از بیانات رهبری در سال‌های گذشته می‌توان برخی از راهکارها و الگوهای لازم را در خصوص اصلاح الگوی مصرف استخراج نمود:

«در همه امور باید به صرفه‌جویی عادت کنیم. صرفه‌جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می‌توانیم از آن استفاده کنیم. نسبت به امکانات با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نوکردن، چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن روش درستی نیست. به نظر من

باید مسئولان کشور، راه صرفه‌جویی و مقابله با اسراف را به مردم یاد دهند. من به‌صورت کلی این را عرض می‌کنم مسئولان دولتی هم باید اسراف نکنند. اسراف مسئولان دولتی از اسراف مردم عادی مضرت‌تر است. زیرا که این اسراف در بیت‌المال است» (بیانات، ۱۳۷۵/۱۲/۲۹).

«من مردم را به قناعت دعوت می‌کنم. قناعت سرافرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می‌داند آینده خود را با قناعت تأمین می‌کند و زندگی و روال اقتصادی کشور را تسهیل و به مسئولین کمک می‌کند که بتوانند تدابیر صحیح را در کار اداره مملکت اعمال کنند» (بیانات، ۱۳۷۶/۱۲/۲۸).

«لازم است که به مسئله قناعت اهمیت بدهند. اسراف نکردن در مواد غذایی، چقدر مواد غذایی دور ریخته می‌شود؟ حتی اسراف نکردن در مواد دارویی، چقدر مواد دارویی غیر لازم خریده می‌شود و به خانه‌ها برده می‌شود و بدون مصرف باقی می‌ماند. عزیزان، یک ملت حق دارد با رفاه زندگی کند. حق دارد خوش بگذراند. حق دارد از انواع نعم الهی استفاده کند. همه قشرهای یک ملت هم بایستی بتوانند استفاده کنند لیکن حتی در مواقعی که یک دولت و یک ملت برخوردار از درآمد هستند اسراف مضر و مذموم و شرعاً حرام است چه بدتر آن وقتی که درآمد یک کشور به‌طور موقت کم شود» (بیانات، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴).

فرازهای فوق در قالب هشدار و در واقع به‌عنوان عاملی بازدارنده و انذار دهنده درخصوص مصرف‌گرایی غیر متعادل و غیر معقول از سوی معظم له بیان شده است. چنان‌چه بررسی روند توسعه در کشور ما نیز بیانگر رشد روزافزون و بی‌رویه مصرف و عدم تعادل و تناسب آن با مسئله تولید داخلی بوده است. اما گو این‌که در سال‌های پایانی دهه هفتاد و در تداوم آن، گذار سال‌های دهه هشتم این موضوع شدت بیش‌تری یافته به گونه‌ای که دیگر از قالب هشدار و تحذیر و تشویق به قناعت به گلايه‌مندی از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری برخی از افراد تبدیل شده است.

«اصل تجمل، همراه با اسراف و زیاده‌روی است و بد است. لیکن جنبه دومی دارد که اهمیتش کم‌تر از جنبه اول نیست و آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است. بعضی‌ها از این غفلت می‌کنند. وقتی شما جلوی چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن‌چنانی می‌کنید این یک درس عملی است و هر کس این را می‌بیند بر او اثر می‌گذارد، فضا را فضای تجملاتی و تجمل‌گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم» (بیانات، ۱۳۷۸/۱۰/۰۴).

و سرانجام روند اسراف و مصرف‌گرایی و میل به تجمل و تبذیر به چنان حدی از افراط رسید که ابتدای دهه چهارم انقلاب اسلامی توسط معظم له به اصلاح الگوی مصرف نامگذاری شد.

صرفه‌جویی بمعنای مصرف نکردن نیست بلکه به‌معنای درست مصرف کردن، به‌جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال و مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. مصرف بی‌پهوده و هرز در واقع هدر دادن مال است. وضع جامعه ما بلحاظ مصرف وضع خوبی نیست. عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که یاد گرفته‌ایم. یک نسبت درست و به سود تولید وجود داشته باشد. یعنی تولید

در جامعه همیشه باید بر مصرف، افزایش و برتری داشته باشد. وقتی جامعه‌ای دچار اسراف شد از لحاظ فرهنگی نیز بر روی او تأثیر منفی گذاشته می‌شود. بنابراین مسئله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف هم اقتصادی هم اجتماعی و هم فرهنگی است.

۶. نتیجه‌گیری

منابع و ذخایر هر کشور، جزء ثروت‌های آن کشور به‌شمار می‌آیند. به این معنی که اگر کشوری نسبت به مصرف غیر اصولی منابع خود بی‌تفاوت باشد، در واقع نسبت به دارایی‌ها و ثروتش بی‌تفاوت است. از سوی دیگر، درآمدهای کشوری که مصرف‌گرایی در آن توجیه و تبلیغ می‌شود، نمی‌تواند برای رشد کشور و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی آن هزینه شود. این درآمدها نیز خواه، ناخواه هزینه مصرف بی‌رویه و غیراصولی در سطح کشور خواهد شد.

پدیده مصرف‌گرایی و اسراف در نقطه مقابل مصرف بهینه قرار گرفته است. «مصرف‌گرایی» یا به عبارت ساده‌تری اسراف که یکی از بزرگترین آفت‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی و از گناهانی است که مورد نهی شدید خداوند متعال واقع شده است و در مقابل اعتدال و میانه‌روی در مصرف قرار گرفته است؛ به طور کلی هرگونه زیاده‌روی در کمیت و اتلاف را شامل می‌شود. همان‌گونه که در متن مقاله اشاره شد از مهم‌ترین راهکارهای حرکت عمومی در مسیر صرفه‌جویی، مسئله تغییر نگرش‌ها و باورهاست. تا هنگامی که جامعه، آمادگی روانی برای یک تغییر و تحول اقتصادی را نداشته باشد تلاش برای ایجاد دگرگونی مثمر ثمر نخواهد بود. از عمده‌ترین علل عدم توفیق در تغییر نگرش‌ها می‌توان به تغییرات مکرر قوانین و سیاست‌ها و نبودن ثبات و راهبردی مستمر اشاره نمود که احساس عدم اعتماد را در بین عموم ایجاد می‌نماید.

باید توجه داشت که تا باورهای عمومی نسبت به موضوع بهینه‌سازی مصرف انرژی و الگوهای مصرفی تغییر نیابد هرگونه هزینه کرد توسط دولت در این خصوص تنها تهدید بودجه عمومی محسوب می‌شود. بدلیل آن که عمده‌ترین مصرف‌کننده انرژی مردم محسوب می‌شوند لذا همراهی و همیاری آنان در این زمینه مورد لزوم می‌باشد. البته نمی‌بایست از این نکته غافل شد که متأسفانه حجم فربه دولت، خود یکی از علل و عوامل مصرف بی‌رویه انرژی محسوب می‌گردد. بدین جهت خود دولت پیش از هرگونه اقدام عمومی و درگیر نمودن مردم در این خصوص می‌تواند این اصلاح را از خویش آغاز نماید و با بهینه‌سازی مصرف انرژی در سطح نهادها و ارگان‌های دولتی در واقع، زمینه و عوامل ترغیب عمومی را نیز ایجاد نماید.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه، سید رضی (۱۳۸۳)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین. بوردیو، پیر (۱۳۸۱). **نظریه کنش اجتماعی**. ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- (۱۳۹۰). **تمايز نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی**. ترجمه حسین چاوشیان، تهران: ثالث. بیانات مقام معظم رهبری، برگرفته از سایت: <http://farsi.khamenei.ir>
- ترکمن‌دی، حمیدرضا (۱۳۸۸). مختصری در مورد نقش معلمان، آموزش و پرورش و صدا و سیما در ترویج نگاه عیب‌جویانه به اسراف و اصلاح الگوی مصرف در جامعه.
- سعدی شیرازی (۱۳۹۴). **گلستان سعدی**. ترجمه محمد علی فروغی، تهران: انتشارات ققنوس.
- صدیق سروسستانی رحمت‌الله؛ سید ضیاء هاشمی (۱۳۸۱). «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر». **فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی**، شماره ۲۰، ۱۴۹ - ۱۶۷.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه سبک زندگی در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی». **مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی**، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، صص ۱۷۳ - ۱۹۳.
- کوئن، بروس (۱۳۸۰). **مبانی جامعه‌شناسی**. ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). **تجدد و تشخیص**. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸). **فرهنگ مصرف‌گرایی نوین و لزوم برنامه‌ریزی برای آن**. تهران: بی‌نا.
- مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). **دین و سبک زندگی**. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». **فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی**، شماره یک، صص ۱۹۹ - ۲۳۰.
- ویلن، تورستین (۱۳۸۳). **نظریه طبقه مرفه**. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- خبرگزاری ایسنا: <http://www.isna.ir>

پیشکش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
ریاست جامعہ علوم اسلامیہ